



Examining the Status of Technical Editing in the Book "Shaghayeghi Az Majnun" (1)

Amin Banitalebi Dehkordi

Language and Literature, Farhangian University, Tehran, Iran

Abstract: Expressing the oral history of the Holy Defense era through the words of the warriors is a lasting and innovative way to reflect on the events of the war. In implementing such a method, in addition to observing the principles of interviewing and organizing questions and answers, it is also necessary to write the material correctly; therefore, observing the principles of editing and Punctuation causes not only that the speaker's speech is transmitted completely, unambiguously, and intelligibly to the audience; but also that the quality of the narratives and the degree of trustworthiness and transfer of emotions in recording experiences are improved. The present study is a descriptive-analytical type of applied research that, by presenting statistics and frequency, seeks to answer the question of which deviations from the principles of technical editing are observed in oral history books. For this purpose, the book "Shaghayeghi Az Majnun (1)" was randomly selected as an example. The results show that in this book, the comma, with a frequency of 408 cases, has the highest frequency of incorrect use among all the signs. The next most frequently used sign is the "period" sign, with a frequency of 118 cases. The significant weakness in the use of these two signs has caused long and drawn-out writing, poor reading, and ambiguity, taking up the time and energy of the audience and consequently causing their fatigue and annoyance, disruption in organizing and understanding the content, and damaging the beauty of the writing. Also, in the field of grammar and spelling, among the significant disadvantages of this book are the failure to observe the distance between the inside and outside of the word, the failure to observe the hyphenation marks, and the failure to use the optional recording of words. At the end of the article, suggestions are presented to prevent further damage to oral history books from this perspective.

Key Words: Oral History, Shaghayeghi Az Majnun 1, Technical Editing, Comma, Period.

بررسی وضعیت آیین ویرایش فنی در کتاب شقایقی از مجنون (۱)

امین بنی طالبی دهکردی

استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، صندوق پستی ۸۸۹-۱۴۶۶۵ تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۶

چکیده

بیان تاریخ شفاهی دوران دفاع مقدس از زبان رزمندگان روشی ماندگار و جدید برای انعکاس رویدادهای جنگ است. در اجرای چنین روشی، ضمن اینکه مصاحبه-کننده باید اصول مصاحبه و سازمان‌دهی پرسش-و-پاسخ-ها را رعایت کند، نیازمند درست-نویسی مطالب نیز است؛ از این رو، رعایت اصول ویرایش و نشانه‌گذاری سبب می‌شود نه فقط گفتار گوینده به طور کامل، بدون ابهام و قابل فهم به مخاطب انتقال یابد، بلکه کیفیت روایت‌ها و میزان امانت‌داری و انتقال احساسات در ثبت تجربه‌ها ارتقا پیدا کند. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی از نوع پژوهش‌های کاربردی است که با ارائه آمار و بسامد، در پی پاسخ به این پرسش است که تا چه میزان انحراف از اصول آیین ویرایش فنی در کتاب-های تاریخ شفاهی مشاهده می‌شود. برای این منظور، به شکل تصادفی، کتاب شقایقی از مجنون (۱) به عنوان جامعه آماری انتخاب شد. نتایج نشان می‌دهد در این کتاب، نشانه کاما، با بسامد ۴۰۸ مورد، بیشترین بسامد کاربرد نادرست را در میان همه نشانه‌ها دارد. در مرتبه بعد، نشانه نقطه با بسامد ۱۱۸ مورد کاربرد نادرست قرار دارد. ضعف چشمگیر در کاربرد این دو نشانه سبب اطناب و درازنویسی، بدخوانی و ابهام-آفرینی، گرفتن وقت و توان مخاطب و به تبع آن خستگی و آزدگی او، اختلال در سازمان‌دهی و درک مطالب و آسیب-رسانی به زیبایی نوشتار شده است. همچنین، در حوزه دستور خط و شیوه املائی، از جمله معایب شاخص این کتاب، رعایت نکردن فاصله درون کلمه و برون کلمه، عدم رعایت علائم زیرنویس و عدم کاربرد ضبط مختار واژگان است. در پایان مقاله نیز پیشنهادهایی برای جلوگیری از آسیب-رسانی بیشتر به کتاب-های تاریخ شفاهی از این منظر ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی: تاریخ شفاهی، شقایقی از مجنون ۱، ویرایش فنی، ویرگول، نقطه.

* Corresponding Author: Amin Banitalebi Dehkordi

E-mail address: a.banitalebi@cfu.ac.ir

Copyright2025@ Documents and National Library of the Islamic Republic of Iran. All rights reserved

مقدمه

بررسی ریشه‌ها و شرح وقایع جوامع بشری با نگرش تاریخی، یکی از کارکردهای متأخر تاریخ است؛ البته روشن است که علم تاریخ برای رسیدن به این هدف، در گردآوری داده‌ها و پردازش آنها از روش‌هایی جدید بهره برده است که «تاریخ شفاهی» یکی از آنهاست. تاریخ شفاهی به عنوان یکی از شاخه‌های مهم تاریخ‌نگاری، به ویژه در موضوعاتی مانند جنگ‌ها و بحران‌ها، جایگاهی ویژه دارد. در خصوص دفاع مقدس، که با توجه به ویژگی‌های ویژه خود، بسیاری از اطلاعات آن به صورت مکتوب یا رسمی ثبت نشده است، تاریخ شفاهی می‌تواند به عنوان ابزاری حیاتی برای جمع‌آوری و ثبت خاطرات رزمندگان و شهدا عمل کند. این گونه نوشتاری با ثبت خاطرات رزمندگان و شهدا به عنوان یکی از منابع اصلی و معتبر برای آگاهی از دوران جنگ و دفاع مقدس، می‌تواند به غنای تاریخ ملی ایران بیفزاید. تاریخ شفاهی به واسطه جزئی‌نگری، دخالت «شناخت روان» در بیان و نگارش تاریخ، مستندسازی و اصالت‌بخشی، روشی مناسب برای تدوین و ثبت دقیق تاریخ و شناساندن درست رخ داده‌است. این روش نه فقط به درک بهتر ابعاد انسانی و فرهنگی جنگ کمک می‌کند، بلکه امکان انتقال تجربیات واقعی و احساسات عمیق از جبهه‌ها را فراهم می‌آورد. در نتیجه، تاریخ شفاهی نه فقط به عنوان یک ابزار پژوهشی، بلکه به عنوان یک وسیله فرهنگی و اجتماعی، اهمیتی ویژه دارد. در کل، اهمیت این نوع نوشتاری را می‌توان در عرصه‌های گوناگون همچون انتقال مستقیم تجربه‌های فردی و جمعی، پرکردن خلأهای تاریخ رسمی، ثبت احساسات و معنویت در جنگ، حفظ و انتقال میراث فرهنگی، تقویت هویت جمعی و ملی، تأثیر در سیاست‌گذاری و پژوهش‌های آینده، مستندنگاری و حفاظت از یاد و خاطره شهدا، ایجاد ارتباط میان تاریخ و مردم و توانمندسازی جامعه برای حفظ تجربیات ارزشمند دانست.

در تاریخ شفاهی، کلمات و جملات مطابق با نحوه

گفتار گوینده، ثبت و ضبط می‌شوند. این امر به ویژه در مواردی که ممکن است زبان گوینده محاوره‌ای، غیررسمی یا دارای لغات خاص منطقه‌ای باشد، اهمیت پیدا می‌کند. رعایت اصول ویرایش و نشانه‌گذاری باعث می‌شود گفتار گوینده به طور کامل، بدون ابهام و قابل فهم به مخاطب انتقال یابد. برای مثال، ممکن است گوینده با استفاده از اصطلاحات خاص جنگی یا حتی لهجه و گویش محلی و محاوره‌ای خود روایت کند. در این شرایط، نشانه‌گذاری صحیح برای نمایش فاصله‌های زمانی، مکث‌ها، یا تغییرات در لحن گفتار به حفظ اصالت روایت کمک می‌کند؛ از این رو، رعایت اصول ویرایش و نشانه‌گذاری در تاریخ شفاهی نه فقط به دقت و صحت اطلاعات کمک می‌کند، بلکه در ارتقای کیفیت روایت‌ها و حفظ امانت‌داری در ثبت تجربه‌ها تأثیری بسزا دارد. این فرایند به ویژه در تاریخ شفاهی دفاع مقدس که بسیاری از جزئیات تجربی، عاطفی و معنوی جنگ در آن نهفته است، اهمیت دوچندان پیدا می‌کند. همچنین، نشانه‌گذاری دقیق و ویرایش درست می‌تواند به پژوهشگران کمک کند تا از منابع شفاهی به بهترین شکل استفاده کنند؛ در حالی که اصالت گفتار و احساسات گویندگان حفظ می‌شود.

بنابراین، از جمله اقدامات و راهکارهایی که باید در حوزه زبان و خط فارسی در حوزه ثبت خاطرات رزمندگان و نوع نوشتاری تاریخ شفاهی مورد توجه قرار گیرند تا هم اعتبار محتوا و هم لفظ رعایت شود، عبارت‌اند از: توجه به پاکیزه‌نویسی و درست‌نویسی، کمک به سرعت مطالعه در کشور، زیباسازی نوشتار برای تأثیر بیشتر آن بر خواننده، پیشگیری از انحراف‌های خط و زبان از زبان معیار، جلوگیری از به هم ریختگی در نگارش فارسی، جلوگیری از به کارگیری سلاقی شخصی و تفننی در نوشتار، مقابله با ورود بی‌رویه واژگان وارداتی و ضمن توجه به چنین اصولی، باید میزان آسیب‌پذیری و همچنین اثرهای زیان‌بار انحراف از قواعد و اصول نگارشی و ویرایشی بر پیکره تاریخ شفاهی نیز تجزیه و تحلیل شود و در این زمینه، باید حساسیت جدی

خط و برطرف کردن بخشی از مشکلات ارائه می‌شوند.

پیشینه پژوهش

با وجود اینکه به نظر کارشناسان از جمله علی صلح‌جو (پژوهشگر و ویراستار) ویراستاری اصولاً در تاریخ نشر کتاب در ایران امری جدید است، در زمینه پژوهش در اصول نگارش و ویرایش خط و زبان فارسی آثاری متعدد (در حدود شصت عنوان کتاب) منتشر شده‌اند و همین امر پژوهشگر را در این حوزه با سردرگمی و دشواری روبه‌رو می‌کند. ویرایش در معنای امروزی در دههٔ چهل شمسی با فعالیت مؤسسه انتشارات فرانکلین آغاز شد و در اواخر دههٔ چهل بود که واژهٔ نوظهور ویراستار، در محافل فرهنگستان دوم و از مصدر مردهٔ «ویراستن» پیدا شد.

در زمینهٔ تاریخ شفاهی، مرتضی نورائی (۱۳۸۶) مقاله‌ای با عنوان «درآمدی بر ویراستاری در تاریخ شفاهی» نگاشته است. او در این مقاله، ویرایش را در سه مرحلهٔ پیش‌مصاحبه، مصاحبه و استخراج مورد توجه گرفته داده است و در بخش آخر، آسیب‌شناسی ویراستاری را در راستای شناخت سازوکارهای جانب‌داری در تاریخ شفاهی بررسی کرده است. ابوالفضل حسن‌آبادی (۱۳۸۶) در مقالهٔ «پیاده‌سازی و ویرایش در تاریخ شفاهی»، یکی از مهم‌ترین کتب در این زمینه، یعنی کتاب پیاده‌سازی و ویرایش در تاریخ شفاهی اثر ویلا باوم^۱ (۱۹۹۷م)، مورخ معروف آمریکایی، را بررسی و تجزیه و تحلیل کرده است. از نظر او، بررسی محتوای کتاب و نوع نگارش نشان می‌دهد توجه باوم به سطوح مختلف جامعه و هدف او نگارش کتابی برای همهٔ علاقه‌مندان تاریخ شفاهی است؛ همچنین، کتاب می‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای اطلاعاتی تاریخ‌شفا‌های دانان مستقل، مراکز و آرشیوهای تاریخ شفاهی باشد. همچنین، احمدی‌دارانی و کرامیتان‌فرد (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «نقد و تحلیل شیوه‌نامه‌های نگارش فارسی (مطالعهٔ موردی: نشانه‌گذاری)»، هجده شیوه‌نامهٔ رایج را به روش

در همهٔ دستگاه‌های دولتی و غیردولتی همچون «بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس»، «حوزهٔ هنری»، «سازمان ارشاد و تبلیغات اسلامی» و ... نسبت به یکی از مهم‌ترین جنبه‌های استقلال هویتی و فرهنگی کشور نشان داده شود؛ زیرا این امر زمانی اهمیت پیدا می‌کند که ملت‌های دارای زبان مستقل، در گذشتهٔ خویش توانسته‌اند با آن زبان و خط، آثاری فاخر را بیافرینند و به واسطهٔ آنها شهرت جهانی کسب کنند و زبان فارسی با بیش از هزاران آثار ارزشمند و منتشرشده در سطح جهانی، یکی از این زبان‌هاست. پس، در عصر ما شایسته است اقشار فرهنگی و مجرب در کنار دستگاه‌های برنامه‌ریزی و اجرایی مرتبط فرهنگی و علمی، پژوهش‌های کاربردی و برنامه‌های اجرایی گسترده و متنوعی را انجام دهند و راهکارهای قابل اجرا را برای مقابله با این تهدیدها در اختیار سطوح مختلف جامعه قرار دهند.

مسأله پژوهش

تاریخ شفاهی ابعاد و زوایایی مختلف دارد و به طریزی فزاینده و گسترده، به یکی از بسترهای مهم در انتقال رویدادها و خاطرات دوران دفاع مقدس و سایر رویدادهای اثرگذار کشور تبدیل شده است. برای جلوگیری از آسیب‌های متفاوتی که ممکن است در این نوع نوشتاری به وجود آیند، باید برنامه‌ریزی مدون و منظمی ایجاد کرد. ابعاد این مشکل و ضرورت ورود به عرصهٔ جلوگیری از آسیب‌های ممکن زمانی آشکارتر می‌شود که بدانیم تاریخ شفاهی از نظر حفظ اصالت روایت و انتقال دقیق احساسات و پیام‌های دفاع مقدس حائز اهمیت است و نادیده گرفتن این اصول می‌تواند به درک اشتباه و ایجاد فاصله بین نویسنده و مخاطب منجر شود و از اثرگذاری واقعی این آثار بر مخاطب بکاهد. در این پژوهش، ضمن بررسی و تحلیل چنین رویکردی از منظر ویرایش فنی در یکی از کتاب‌های تاریخ شفاهی با عنوان شقایقی از مجنون (۱) (صالحی، ۱۴۰۱)، راهکارهایی عملی برای بهبود نگارش فارسی و دستور

بررسی و پژوهش در این عرصه است تا کتاب‌ها و آثار تدوینی در آینده، آثار فاخر و ارزشمند دوران دفاع مقدس را در روستا ساختی استوار و پاکیزه به آیندگان عرضه کنند.

روش پژوهش

این پژوهش، از نظر ماهیت و اهداف، جزء «پژوهش‌های کاربردی» است؛ «منظور از پژوهش کاربردی، پژوهشی است که نه در جهت ارضای کنجکاوی‌های ژرف پژوهشگر، که حل مسئله‌ای فردی، گروهی یا اجتماعی انجام می‌پذیرد» (ساروخانی، ۱۳۸۴، ص. ۷۳). دایره پژوهش یکی از کتاب‌های حوزه تاریخ شفاهی با عنوان شقایقی از مجنون (۱) است. این کتاب به شیوه تصادفی از میان چندین جلد کتاب نوشته‌شده در این حوزه انتخاب شده است. نگارنده با بهره‌گیری از روش سندکاوی و فیش‌برداری، ابتدا کتاب‌های نگاشته‌شده در حوزه آیین ویرایش و درست‌نویسی را مطالعه کرده است؛ سپس، بر اساس شاخص‌های ویرایش فنی (صوری)، معایب و بی‌دقتی‌های مندرج در کتاب مدنظر را مشخص کرده است؛ در گام بعد، پس از بسامدگیری و تعیین بیشترین خطاهای صورت‌گرفته، تحلیل‌های لازم را انجام داده و در نهایت، پیشنهادهایی برای بهبود شیوه ویرایش و نشانه‌گذاری در چنین متونی را ارائه داده است. گفتنی است، هنگام بیان مثال‌ها برای آشکارسازی معایب، همان دستور خط و شیوه نگارش کتاب، بدون هیچ‌گونه دخل و تصرفی، بیان شده است.

معرفی کتاب شقایقی از مجنون (۱)

این کتاب، خاطرات یکی از رزمندگان شیمیایی دوران دفاع مقدس به نام «فرهاد همتی دزکی» است. او از سال ۱۳۵۹ وارد جبهه شده است و حدود سه ماه در جبهه کردستان فعالیت داشته است. سپس، در سال ۱۳۶۱، برای شرکت در عملیات والفجر مقدماتی به جبهه جنوب اعزام می‌شود و در گردان ذوالفقار به فرماندهی سهراب نوروزی سامان‌دهی می‌شود. سپس، در سال ۱۳۶۲، در

تحلیلی و انتقادی بررسی کرده‌اند و در آن، کاربرد علایم نگارشی را مدنظر قرار داده‌اند؛ در ضمن، تناقض‌های درونی، اختلاف دیدگاه‌های نویسندگان و افراط و تفریط‌های آنان با رعایت اصل اعتدال، در قالب شاهدها و مثال‌های آنان را نقد و ارزیابی کرده‌اند و در پایان هر بخش، درباره اختلاف‌ها، پیشنهادهایی ارائه داده‌اند تا زمینه‌ای برای بازنگری در تدوین شیوه‌نامه‌ها فراهم آید. همچنین، موضوع ویرایش فنی و زبانی در سایر انواع نوشتاری همچون زبانه رسانه، کتاب‌های درسی دانش‌آموزان، متون حقوقی و ... بررسی شده است؛ اما تا کنون این موضوع در کتاب شقایقی از مجنون (۱) بررسی نشده است.

ضرورت پژوهش

یکی از حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی تأثیرگذار در انتقال تجربیات رزمندگان دوران دفاع مقدس حوزه بسیار مهم و چندجانبه خط، زبان و نوشتار است. از آنجا که شیوه نگارش تاریخ شفاهی از طریق گفت‌وگوی مصاحبه‌کننده با رزمنده و واسطه‌گری زبان محاوره و گفتاری روی می‌دهد و در آن، جابه‌جایی اجزای جمله، گزینش کلمات دم‌دستی، اثرگذاری لهجه و گویش، شتاب‌زدگی در گفتار، پراکنده‌گویی، تکیه‌کلام‌ها، مکث‌های پی‌درپی و ... سبب آسیب‌پذیری این نوع نوشته‌ها شده‌اند، در نتیجه، باید از طریق پژوهش و تحلیل علمی برای دستیابی به راه‌حل‌های شدنی و راهکارهای موثق کوشا باشیم. اهمیت این موضوع زمانی آشکار می‌شود که گاهی فارسی‌زبانان همین زبان غیرمعیار و آسیب‌دیده را به عنوان زبان فارسی معیار می‌پذیرند که در این صورت، علاوه بر آسیب‌پذیری دستور خط، زبان و فرهنگ فارسی، تمایز بین زبان و خط هنجار و نابه‌هنجار دشوار می‌شود و این امر با اهداف تاریخ شفاهی که ثبت و ضبط دقیق رویدادها و انتقال درست معنا به نسل آینده است، مغایرت دارد. بنابراین، یکی از مهم‌ترین ضرورت‌های چنین پژوهشی تأکید بر لزوم آغاز یک جریان

این نشانه میان دو جمله پایه و پیرو؛ در آغاز و پایان جمله‌هایی که به صورت تفسیری، توضیحی و دعایی می‌آیند؛ برای عطف کلمه‌ها، جمله‌ها، عبارت‌ها و سازه‌های هم‌پایه (در این موارد همیشه پیش از آخرین کلمه و او عطف می‌آید)؛ بعد از گروه‌های قیدی در آغاز جمله (ذوالفقاری، ۱۳۹۲، ص. ۳۰)؛ برای تفکیک کلماتی که حالت دستوری واحدی دارند، نیز استفاده می‌شود (کاخی، ۱۳۷۳، ص. ۳۶).

در کتاب شقایقی از مجنون (۱)، از نشانه‌هایی که بسیار به نادرست استفاده شده‌اند، نشانه کاماست. در بیشتر موارد، از این نشانه در جایگاه خود استفاده نشده است؛ به عبارت دیگر، در این کتاب معمولاً پس از منادا، جمله بدل، قیده‌های زمان آغاز جمله، پس از وجه وصفی و جملات مرکب و شرطی از کاما استفاده نشده است. یا در مواردی نیز حرف ربط و عطف «و» به نادرست جایگزین کاما شده است؛ برای مثال، هنگام برشمردن اشخاص و اجزا به شکل پی‌درپی. همچنین، در برخی از موارد، نگذاشتن کاما سبب بدخوانی و ابهام جمله و گرفتن وقت و توان خواننده برای درک معنا می‌شود. در زیر، مثال‌های هر یک از موارد بالا به همان شکل نادرست بیان شده‌اند:

- استفاده نکردن از کاما پس از وجه وصفی: «آن‌ها ... از آمادگی لازم برخوردار بودند و ما را غافلگیر کرده و شروع به تیراندازی کردند» (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۳۲). همان‌گونه که پژوهشگران گفته‌اند، کاربرد وجه وصفی دارای شرایطی است - که هماهنگ با موضوع مقاله - یکی از شرایطش این است که بهتر است «پس از وجه وصفی، از آوردن «و» ربط پرهیز شود و به جای آن، کاما استفاده شود» (ذوالفقاری، ۱۳۹۲، ص. ۲۴۲).

- استفاده نکردن از کاما هنگام برشمردن افراد: «در بسیج افراد زیادی می‌آمدند، از جمله: سبزه‌علی خدادادی و علی اکبر سلطانی، قنبر ابراهیمی و ...» (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۳۲).

- استفاده نکردن از کاما در جملات مرکب: «وقتی که

قالب گردان توحید در عملیات خیبر شرکت می‌کند. این گردان مأمور به ایستادگی در جزیره مجنون جنوبی در برابر دشمن یعنی بود و طبق فرمایش امام (ره) باید آن را حفظ می‌کرد. گردان، بعد از چند روز مقاومت سرسختانه، هنگام بازگشت به عقب، در کنار چاه‌های نفت، مورد حمله بمب‌های شیمیایی دشمن قرار می‌گیرد که سبب مجروحیت شدید نیروها از جمله فرهاد همتی می‌شود. او به همراه چند تن از دوستانش برای مداوا به مونیخ آلمان فرستاده می‌شود. پس از چندماه انجام مراحل طاقت‌فرسای درمان، به ایران برمی‌گردد. او مجدداً در سال ۱۳۶۵ عازم جبهه می‌شود؛ اما به سبب مجروحیت شیمیایی نمی‌تواند در منطقه باقی بماند و به عقب برگردانده می‌شود. در حال حاضر نیز، آثار جراحات شیمیایی در بدن او قرار دارد و تحت مداوی پزشکی است.

اصول ویرایش فنی

پس از مطالعه و بررسی کتاب شقایقی از مجنون (۱)، مهم‌ترین اصول ویرایش فنی که در این کتاب رعایت نشده‌اند و درباره آنها بی‌دقتی صورت گرفته است، در قالب چند عنوان مجزا در ادامه توضیح داده شده‌اند.

۱. نشانه کاما (ویرگول)

ویرگول نشانه توقف یا درنگی کوتاه است که در موارد زیر استفاده می‌شود: الف) میان عبارت‌ها یا جمله‌هایی غیرمستقل که در مجموع یک جمله کامل را تشکیل می‌دهند؛ ب) آنجا که کلمه یا عبارتی به عنوان توضیح، عطف بیان یا بدل در ضمن جمله یا عبارتی دیگر آورده می‌شود؛ پ) آنجا که در مورد چند کلمه، اسنادی واحد داده می‌شود؛ ت) بین دو کلمه که احتمال می‌رود خواننده آنها را با کسره اضافه بخواند؛ ث) برای جداکردن اجزای مختلف نشانی اشخاص یا مراجع و مأخذ یک نوشته (یاحقی و ناصح، ۱۳۷۱، صص. ۶۹-۷۰؛ احمدی‌گیوی و همکاران، ۱۳۸۵، ص. ۳۳). همچنین، از

...» (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۵۴).

- کاربرد کاما به شکل زاید و اضافی: «برای ما تعریف

می‌کرد که، قرار بود...» (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۵۱).

بنا بر مطالب گفته‌شده، یکی از پربسامدترین نشانه‌هایی که به‌نادرست در این کتاب از آن استفاده شده است، نشانه کاماست. در جدول زیر، بسامد فراوان خطای کاربرد این نشانه در سراسر کتاب گویای بی‌اطلاعی نویسنده از مواضع کاربرد این نشانه بوده است.

جدول ۱- بسامد کاربرد نادرست کاما

نشانۀ کاما	بسامد
کاربرد نابه‌جا	۲۳۰
عدم استفاده به‌موقع	۱۶۷

برای اینکه اطلاعات دقیق‌تر از آمار یادشده به دست داده شود، باید گفت از ۲۳۰ مورد کاربرد نابه‌جای کاما، ۱۷۸ مورد صرفاً کاربرد آن به‌جای نشانه نقطه است. این موضوع سبب شده است جملات و عبارات به شکل پی‌درپی و تودرتو بیان شوند؛ به تبع آن، ذهن و چشمان مخاطب دچار خستگی و گسیختگی می‌شود و مجالی به خواننده برای سازمان‌دهی مطالب و درک بهتر متن داده نمی‌شود.

جدول ۲- بسامد کاربرد نابه‌جای کاما

نشانۀ کاما	بسامد
کاربرد به‌جای نشانه نقطه	۱۷۸
کاربرد به‌جای نشانه نقطه-ویرگول	۲۵
کاربرد زاید و اضافی	۱۸
کاربرد به‌جای نشانه پرسش	۵
کاربرد به‌جای نشانه تعجب (عاطفی)	۳
کاربرد به‌جای نشانه دوتقطه	۱

۲. نشانه نقطه

نقطه نشانه وقف کامل محسوب می‌شود. این نشانه در موارد زیر استفاده می‌شود: الف) در پایان جمله‌های کامل خبری یا انشایی؛ ب) پس از هر حرفی که به صورت

مأموریت ما از بانه تمام شد برگشتیم» (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۲۸).

- استفاده نکردن از کاما در جملات تفسیری و توضیحی: «آقای خدادادی در فرایزین که در ۶۰ کیلومتری مونیخ واقع است بستری و مداوا می‌شود» (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۵۶).

- استفاده نکردن از کاما پس از منادا: «او دوباره گفت: هی نوروزی بگو جزیره و گردان ایسا» (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۴۰).

- استفاده نکردن از کاما پس از گروه‌های قیده‌های آغاز جمله: «آن موقع رئیس بسیج آقای علی ابراهیمی بودند» (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۲۲).

- استفاده نکردن از کاما سبب بدخوانی و ابهام می‌شود: «در تقسیمات من در گروهان یک در دسته یکم، به عنوان آرپی‌جی‌زن بودم» (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۳۱).

همچنین، در بسیاری از جملات، کاما به شکل نادرست جایگزین نشانه‌ای دیگر شده است؛ به ویژه جایگزین نشانه‌هایی همچون نقطه و نقطه-ویرگول. در مواردی هم کاما به شکل زاید و اضافی ب‌ه‌کار رفته است. در مثال‌های زیر می‌توان نمونه‌های این کاربرد نادرست را مشاهده کرد:

- کاربرد پی‌درپی کاما به‌جای نقطه در سراسر جمله: «تو برو جای را درست کن تا ما هم بیایم، گفت: باشه، هاورکرافت رفت، نیامد ما ناهار خوردیم، آقای نوروزی...» (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۴۹).

- کاربرد کاما به‌جای نشانه تعجب (عاطفی)، نشانه پرسش و نقطه-ویرگول: «ما دیدیم که مترجم می‌خندد، به ما گفت: دیشب چی شده؟ چه اتفاقی افتاده بود. ما گفتیم نمی‌دانیم این‌ها بلند شدند سر و صدایی کردند، ولی ما خوابیدیم. گفت: آن‌ها می‌گویند این‌ها کی هستند، ما این همه سر و صدا کردیم ولی آن‌ها عین خیالشان نبود و گرفتند خوابیدند» (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۶۱).

- کاربرد کاما به‌جای نشانه دوتقطه: «بدون هماهنگی شروع کردم به تکبیر گفتن، الله اکبر، الله اکبر، خمینی رهبر

بستری شدم و ترکش های آرپی جی ۱۱ که به کتف من خورده بود کتفم را دچار جراحت شدید کرده بود و به خاطر این که ترکش ها نزدیک عصب دست من بودند نشد آن ها را خارج کنند و هنوز هم ترکش ها در کتف من به یادگار باقی مانده اند (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۳۴). همان گونه که در این چند جمله مشاهده می شود، عدم استفاده به موقع از نقطه و جایگزینی حرف «واو» سبب نفس گیر شدن جملات و خستگی مخاطب می شود و در ضمن، اثرگذاری مطالب و نحوه انتقال احساسات نیز دچار مشکل می شود.

- وابسته سازی پی در پی جملات کامل به همدیگر و عدم استفاده از نشانه نقطه: «هوایماهای عراقی از بالای سرمان رد شده که با پرواز در سطح پایین قصد شکستن دیوار صوتی و آسیب به ما را داشتند که با اقدام مناسب از سوی همزمان خوشبختانه اتفاقی برای هیچ یک از برادران نیفتاد که احتمالاً آن هوایماها مهمات خود را در جای دیگر تخلیه کرده بودند» (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۳۸).
- استفاده نادرست از نقطه به جای نشانه های دیگر: «پشت آن ها کانال های قیر وجود داشت. ولی نیروهای ما خودشان، پل متحرک درست کرده بودند» (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۳۲). پیش از حرف استدراک «ولی» باید نقطه-ویرگول گذاشته شود ولی به نادرست از نشانه نقطه استفاده شده است.

- کاربرد زاید و اضافی نشانه نقطه: «آن ها از طریق این شخص از حال ما باخبر می شدند. که از همین طریق با خبر شدم...» (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۶۲). در چنین جملاتی که با حرف ربط «که» به هم وابسته شده اند، نیازی به گذاشتن نقطه پیش یا پس از حرف ربط نیست، بلکه نقطه در پایان جمله کامل می آید نه در جمله وابسته. جدول زیر برای روشن شدن بسامد خطای کاربرد این نشانه ترسیم شده است.

نشانه اختصاری به کار رفته باشد (یاحقی و ناصح، ۱۳۷۱، ص. ۶۷). همچنین، این نشانه پس از کوتاه پاسخ ها و نقل قول غیرمستقیم یا جملات پرسشی غیرمستقیم به کار می رود (ذوالفقاری، ۱۳۹۲، ص. ۲۸). در صورتی که دو جمله کامل با «واو» به یکدیگر معطوف شوند، نقطه فقط در پایان جمله دوم آورده می شود (احمدی گیوی و همکاران، ۱۳۸۵، ص. ۳۶).

در کتاب تحت بررسی، در بیشتر موارد، نقطه در جایگاه خود استفاده نشده است؛ حتی نویسنده به دلیل ناآشنایی با کاربرد آن، به جای این نشانه از حروف ربط، به ویژه حرف ربط «واو» برای اتصال دو یا چند جمله بهره برده است؛ در حالی که جمله ها از نظر معنایی کامل هستند و باید پس از هر کدام از آنها نقطه گذاشته شود. این شیوه نادرست در کتاب سبب اطناب و درازنویسی، دلزدگی و قطع ارتباط مخاطب با متن، دشواری درک معنا، اختلال در سازمان دهی مطالب و آسیب به زیبایی نوشتار شده است. از سوی دیگر، نویسنده اشتباه هایی نیز در کاربرد نابه جای نقطه دارد؛ یعنی در بیشتر موارد، نقطه به جای نقطه-ویرگول استفاده شده است و در وهله بعد، نشانه نقطه پیش از حروف ربط همچون «که» به نادرست استفاده شده است؛ زیرا حروف ربط نشانگر این هستند که جمله به پایان نرسیده است و از لحاظ معنایی کامل نیست. همچنین، در این کتاب، به کار نرفتن نقطه معمولاً پس از فعل هایی است که با همدیگر تشکیل یک جمله مرکب را داده اند. برای روشن شدن مطالب یادشده در ادامه مثال هایی بیان شده اند:

- استفاده نکردن از نقطه در جایگاه خود: «نگاهی به خودم انداختم و خودم را در آینه برانداز کردم خیلی تحلیل رفته بودم و نحیف شده بودم معلوم بود خیلی وزن کم کرده ام در همین تفکرات بودم که ... پرستارها آمدند من را بلند کردند و روی تخت گذاشتند» (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۵۶).

- معطوف کردن پیاپی جملات کامل و عدم استفاده از نشانه نقطه: «از آنجا به قم اعزام شدم و در قم ۲ شب

۱۴۰۱، ص. ۲۵).

- عدم استفاده به موقع از نقطه-ویرگول: «گفتند ماسک ها را تحویل دهید چون دیگر نیازی به ماسک نیست، ماسک ها را تحویل دادیم ولی اسلحه هایمان همراهمان بود» (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۴۸). در این مثال، پیش از حرف تعلیل «چون» و حرف استداراک «ولی» باید نشانه نقطه-ویرگول استفاده شود که به کار نرفته است. با نگاه کلی به مثال‌ها می‌توان پی برد نویسنده در بیشتر موارد، قبل از حرف استداراک «ولی» از این نشانه استفاده نکرده است یا به اشتباه از نشانه ویرگول بهره برده است.

جدول ۴- بسامد کاربرد نادرست نقطه-ویرگول

نشانۀ نقطه-ویرگول	بسامد
عدم استفاده به موقع	۱۸
کاربرد نابه‌جا	۱

۴. نشانۀ دونقطه

موارد کاربرد این نشانه عبارت‌اند از: الف) این نشانه پیش از مجموعه شواهد، مثال‌ها و اجزایی که گاه پیش از آنها عبارت‌هایی همچون «از این قرار، بدین شرح» و مانند آنها می‌آید؛ ب) پیش از نقل قول مستقیم، در صورتی که حرف ربط «که» پیش از آن نیامده باشد؛ پ) پیش از عبارت توضیحی در بیان یا تأیید مطلبی، یا قبل از تفصیل حکمی که به اجمال به آن اشاره شده است یا برای بیان دلیل کاری؛ ت) برای نقل قول گفت‌وگو پس از نام‌ها؛ ث) برای جداکردن اجزای ساعت، اسم سوره و شماره آیه، فصل و باب، صفحه و سال در ارجاع درون‌متنی؛ ج) هنگام معنادر کردن کلمه‌ها (ذوالفقاری، ۱۳۹۲، صص. ۳۴-۳۵).

در کتاب مدنظر، یکی از عیب‌هایی که دیده می‌شود این است که برای نقل قول و گفت‌وگوی اشخاص، گاهی دونقطه گذاشته می‌شود و گاهی نیز فراموش می‌شود؛ به ویژه در گفت‌وگوهایی که نقل قول مستقیم و از زبان خود راوی هستند، هم نشانه دونقطه و هم گیومه به کار نمی‌رود. همچنین، در مواردی نیز دونقطه به شکل

جدول ۳- بسامد کاربرد نادرست نقطه

نشانۀ نقطه	بسامد
کاربرد نابه‌جا	۱۳
عدم استفاده به موقع	۱۰۵

۳. نقطه-ویرگول

نقطه-ویرگول علامت وقف یا درنگی است بیشتر از ویرگول و کمتر از نقطه که در موارد زیر به کار می‌رود: الف) برای جداکردن عبارت‌های مختلف یک جمله طولانی که ظاهراً مستقل، ولی در معنی با یکدیگر مربوط هستند؛ ب) هنگام برشمردن و تفکیک اجزای مختلف وابسته به یک حکم کلی (یاحقی و ناصح، ۱۳۷۱، ص. ۷۰). همچنین، این نشانه برای جداکردن عبارت‌ها یا جمله‌های شرطی استفاده می‌شود که درون آنها ویرگول‌های متعدد به کار رفته باشد؛ همچنین، در جمله‌های مرکب و قبل از کلمه‌های توضیحی مانند «یعنی، مانند، مثلاً، زیرا، بنابراین، اما، در نتیجه، از این رو، چنانکه، با وجود این، در این صورت، با این حال، با این همه، برای نمونه، در مثل، به فرض، همان‌طور که» استفاده می‌شود (ذوالفقاری، ۱۳۹۲، ص. ۳۳).

در سراسر کتاب شقایقی از مجنون (۱) اثری از نشانه نقطه-ویرگول نیست؛ حتی یک مورد هم که استفاده شده است، به نادرست به جای نشانه دونقطه به کار رفته است. در بقیه موارد، جملات بدون کاربرد این نشانه به هم متصل شده‌اند؛ البته، این ضعف شامل حال این کتاب نمی‌شود، بلکه آثار مشابه دیگر، همچون کتاب ایران‌دخت (آل‌مؤمن)، بیمارستان جنگی (نظزلو)، چند قدم تا اسارات (جلالی)، مردی از ساسرگان (بهریزی) و سایر آثار منتشرشده در حوزه تاریخ شفاهی نیز چنین مشکلی را در به کار بردن نشانه نقطه-ویرگول دارند. برای تکمیل مطالب یادشده، چند نمونه از عدم استفاده یا استفاده نابه‌جا از این نشانه در ادامه بیان شده‌اند:

- کاربرد نادرست نقطه-ویرگول به جای دونقطه: «ما از دزک ۴ نفر بودیم که با هم رفتیم؛ من، آقای علی اکبر سلطانی، آقای محسنی و آقای نصراللهی» (صالحی،

مواقع، در نقل قول‌ها و گفت‌وگوهای مستقیم به کار نرفته است. همچنین، گاهی برای اصطلاحات خاص میدان نبرد و حملات شیمیایی یا اشاره به آیات قرآن از آن استفاده نشده است؛ برای مثال، می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد:

- به کار نبردن گیومه در نقل قول‌های مستقیم: «به سبزعلی خدادادی گفتم: سبزعلی پهلویم داغ شد، گفت: بیا پایین، رفتم پایین در سنگر، گفت: می‌دانی چه بود؟» (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۴۴).

- به کار نبردن گیومه برای شعار و آیات: «بدون هماهنگی شروع کردم به تکبیر گفتن، الله اکبر، الله اکبر، خمینی رهبر، مرگ بر ضد ولایت فقیه، مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل» (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۵۴).

- به کار نبردن گیومه برای اصطلاحات خاص جنگی و شیمیایی: «هاورکرافت ظهر رفته بود و دیگر خبری از آن نبود» (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۵۰). «بیمار تاکی کارد شدید ۱۵۰-۱۳۰ داشت که احتمالاً با مسمومیت شدید توجیه می‌شد و بعید به نظر می‌رسید که با وضعیت دهیدراتاسیون و نارسایی قلبی بیمار رابطه‌ای داشته باشد» (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۷۱).

در ادامه، بسامد عدم استفاده از نشانه گیومه در سراسر کتاب بیان شده است.

جدول ۶- بسامد کاربرد نادرست گیومه

نشانه گیومه	بسامد
عدم استفاده به موقع	۵۶

۶. نشانه پرسش

موارد کاربرد این نشانه عبارت‌اند از: الف) پس از جملات پرسشی یا پرسش تأییدی؛ ب) برای نشان‌دادن حدس، گمان و تردید؛ پ) در نقل قول مستقیم، علامت سؤال محفوظ می‌ماند؛ ت) برای نشان‌دادن مفهوم استهزا و تمسخر (ذوالفقاری، ۱۳۹۲، ص. ۳۶). همچنین، این نشانه بعد از کلمه یا عبارتی که جانشین جمله پرسشی

نادرست و نابه‌جا به کار رفته است؛ برای مثال، در نمونه‌های زیر می‌توان چنین اشتباه‌هایی را مشاهده کرد:

- استفاده نابه‌جا از دونقطه: «بیشتر با برادران خود و تعدادی از بچه‌های محله بازی‌هایی مانند: الختر، کلاه برک، جست و خیزک و ... انجام می‌دادیم» (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۱۳). درباره این مثال باید گفت پس از کلماتی مانند «مثل، از قبیل، نظیر» و امثال آنها که به کلمه بعدی اضافه می‌شوند، نباید دونقطه به کار رود (احمدی‌گیوی و همکاران، ۱۳۸۵، ص. ۳۷).

- عدم استفاده به موقع از نشانه دونقطه هنگام برشمردن اجزا و طبقه‌بندی: «نیروها به دو دسته تقسیم شده بودند یک دسته در داخل شهر نگهداری می‌دادند و یک دسته ...» (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۲۷).

- عدم استفاده از نشانه دونقطه برای نقل قول مستقیم: «وقتی آمد به او گفتم تو که خلبان هستی چرا به منطقه آمدی؟» (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۴۵).

جدول ۵- بسامد کاربرد نادرست دونقطه

نشانه دونقطه	بسامد
کاربرد نابه‌جای دونقطه	۴
عدم استفاده به موقع	۲۵

۵. نشانه گیومه

این نشانه در موارد زیر به کار می‌رود: الف) در دو طرف نقل قول مستقیم؛ ب) برای مشخص کردن اصطلاحات خاص علمی و فنی، کلمات ناآشنا، عبارت‌ها و جملات مشهور به قصد برجسته‌سازی و برای بار اول؛ پ) اگر درون نقل قول اصلی چند نقل قول دیگر بیاید، نقل قول‌های فرعی را با علامت « » مشخص می‌کنیم (ذوالفقاری، ۱۳۹۲، ص. ۳۸). همچنین، هنگام بیان عنوان مقاله‌ها، رساله‌ها، اشعار، روزنامه‌ها، آثار هنری، فصل‌ها و بخش‌های یک کتاب از این نشانه استفاده می‌شود (یاحقی و ناصح، ۱۳۷۱، ص. ۷۴).

این نشانه در کتاب شقایقی از مجنون (۱) در بیشتر

ص. ۳۸).

این نشانه کاربرد چندانی در کتاب شقایق از مجنون (۱) نداشته است؛ با وجود این، در مواردی نیز که لزوم به‌کارگیری آن وجود داشته، استفاده نشده است و به‌اشتباه، نشانه‌ای دیگر جایگزین آن شده است. در زیر چند مثال برای آن بیان شده‌اند:

- استفاده نادرست از نشانه ویرگول به‌جای نشانه تعجب: «از کنسولگری که می‌آمدند به من می‌گفتند: عجله نکن، بگذار حالت خوب شود، بعد برو» (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۶۲). «اگر بمیرم هم اجازه نمی‌دهم که من را ببرند اسرائیل» (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۶۴). در مورد اخیر، تنفر و بیزاری راوی از اسرائیل حتی برای انجام‌دادن مراحل پزشکی مشهود است؛ اما استفاده نکردن از علامت تعجب این احساس عمیق و باطنی رزمنده را به‌خوبی در کلام نشان نمی‌دهد و سبب عدم هم‌ذات‌پنداری مخاطب با عقیده و احساس راوی می‌شود.

جدول ۸- بسامد کاربرد نادرست نشانه تعجب

نشانه تعجب یا عاطفی	بسامد
عدم استفاده به‌موقع	۱۰

۸. خط فاصله یا نشانه جداسازی

کاربرد این نشانه در موارد زیر است: الف) جداکردن دو کلمه که دو جنبه مختلف از یک منظور را نشان می‌دهند؛ یعنی برای پیوستن اجزای یک کلمه دو جزئی مرکب؛ ب) برای نشان‌دادن فاصله زمانی و مکانی به معنای «تا» و «به»؛ پ) در دو طرف جملات معترضه؛ ت) برای نشان‌دادن حد فاصل دو عدد؛ ه) در آغاز متن‌های گفت‌وگویی (نمایشی، تلفنی و داستانی) به‌جای نام گوینده و برای پرهیز از تکرار نام‌ها (ذوالفقاری، ۱۳۹۲، ص. ۴۶). همچنین، از این نشانه، بعد از شماره ردیف در اعداد یا حروف و بعد از کلمه‌هایی مانند «تبصره، تذکر، توضیح، یادآوری» و جز آنها نیز به کار می‌رود (احمدی‌گیوی و همکاران، ۱۳۸۵، ص. ۴۰).

در کتاب مدنظر، فقط در دو مورد از نشانه خط تیره

مستقیم است، بیان می‌شود؛ از این رو، در پایان جملات پرسشی غیرمستقیم از این نشانه استفاده نمی‌شود، بلکه نقطه می‌آید (احمدی‌گیوی و همکاران، ۱۳۸۵، ص. ۳۸). در کتاب تحت بررسی، از میان کاربردهای مختلف نشانه پرسش، معمولاً همان کاربرد استفهامی و سؤالی آن مدنظر است و کاربردهای دیگر آن همچون استهزا و تردید مشاهده نشدند. همچنین، نشانه پرسش در بیشتر موارد استفاده شده است؛ اما گاهی در جملاتی که پرسشی مستقیم است، در رعایت آن، سهل‌انگاری صورت گرفته است؛ برای نمونه، می‌توان به مثال‌های زیر اشاره کرد:

- استفاده نکردن از نشانه پرسش در جملات پرسشی مستقیم: «من به دکتر گفتم می‌خواهی کمک کن» (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۵۹). «از اهالی خانه پرسیدیم که چرا گریه می‌کنید آنها گفتند ما قبلاً در روستای دیگری اطراف بانه زندگی می‌کردیم» (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۲۷).
- استفاده نادرست از نشانه‌های دیگر به‌جای نشانه پرسش: «دکتر به او گفت: خوب هست، گفت: بله» (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۶۰).

در جدول زیر، بسامد عدم استفاده از نشانه پرسش بیان شده است.

جدول ۷- بسامد کاربرد نادرست نشانه پرسش

نشانه پرسش	بسامد
عدم استفاده به‌موقع	۹

۷. نشانه تعجب (عاطفی)

علامت تعجب فقط نشانه تعجب و شگفتی نیست، بلکه بیشتر در پایان جمله‌هایی می‌آید که بیان‌کننده یکی از حالات خاص و شدید عاطفی یا نفسانی است (احمدی‌گیوی و همکاران، ۱۳۸۵، ص. ۳۹)؛ در واقع، این نشانه در پایان جمله‌ها و اصوات تعجبی، شگفتی، نهی، تحسین، خطابی، نفرینی، تحقیری، تأسفی، استهزایی، تأکیدی و هشدار به کار می‌رود (ذوالفقاری، ۱۳۹۲،

شقایقی از مجنون (۱) وجود دارد، عبارت‌اند از: رعایت نکردن فاصله درون کلمه و برون کلمه به ویژه در کلمات ترکیبی، قیود چندجزئی، «می» استمراری، عبارت‌های مصدری؛ عدم فاصله‌گذاری حروف اضافه از کلمه پس از خود؛ ناهماهنگی در اتصال ضمائر ملکی و مفعولی به کلمات پیش از خود؛ عدم رعایت علایم زیرنچیری که سبب ایجاد اشتباه املائی و خطی آنها شده است؛ عدم کاربرد ضبط مختار واژگان؛ نادرستی املائی به سبب اشتراکات آوایی و واجی در برخی از کلمات. همچنین، طبق دستور خط و آیین ویرایش، اعداد تک‌جزئی، ترتیبی و تکریمی باید به شکل حرف نوشته شوند که در این کتاب معمولاً به شکل رقم نگاشته شده‌اند. همچنین، در بیشتر موارد، کسر اضافه در این کتاب به کار نرفته و در دو موردی هم که به کار رفته، طبق دستور خط فرهنگستان نبوده است؛ یعنی به شکل «یای» بزرگ در کلمات مختوم به «های» غیرملفوظ استفاده شده است که باید به شکل «یای» کوچک باشد. در ادامه، مثال‌هایی از معایب یادشده بیان شده‌اند. گفتنی است، این معایب با توجه به «شیوه‌نامه دستور خط فرهنگستان» و «فرهنگ املائی» (صادقی و زندی‌مقدم، ۱۳۹۴) مصوب فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی مشخص و ثبت شده‌اند.

الف) عدم رعایت نیم‌فاصله (فاصله درون کلمه) در موارد زیر:

- در ترکیبات مصدری مانند درس خواندن (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۶۲)، مسلح کردن (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۱۷)، ارشاد کردن (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۲۱)، سوزن انداختن (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۴۰)، جمع کردن (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۴۹)، آمار گرفتن (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۴۹)، شیمیایی شدن (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۵۲) و ...

- در کلمات ترکیبی و مرکب مانند بین المللی (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۶۳)، مکتب خانه (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۱۴)، عقب نشینی (صالحی، ص. ۳۴)، پایان نامه (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۴۵)، سینه خیز (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۴۵)

استفاده نشده است که در ادامه، نمونه‌ای از آن آمده است: «بعد از آن بسیج به دستور امام خمینی رحمت‌الله علیه تشکیل شد» (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۲۱). در این مثال، جمله معترضه «رحمت‌الله علیه» باید میان دو خط تیره قرار گیرد.

۹. دستور خط و املائی فارسی

یکی دیگر از معایب ویرایش فنی این کتاب رعایت نکردن «شیوه‌نامه دستور خط فرهنگستان» (۱۳۹۴) است. در واقع، از آنجا که در باب دستور خط فارسی، همواره اختلاف سلیقه و مشرب وجود داشته است، بعضی طرفدار بازگذاشتن دست نویسند در انتخاب شیوه نگارش بوده و حداکثر جواز و رخصت را تجویز می‌کرده‌اند و بعضی دیگر، برعکس، گرایش به وضع قوانینی عام و قطعی و تخلف‌ناپذیر داشته‌اند؛ با وجود این، از آنجا که خط در تأمین و حفظ پیوستگی فرهنگی، نقش اساسی دارد، نباید شیوه‌ای برگزید که چهره خط فارسی به صورتی تغییر کند که مشابهت خود را با آنچه در ذخایر فرهنگی زبان فارسی به جا مانده است، به کلی از دست بدهد؛ از این رو، خط فارسی نباید تابع خطوط دیگر باشد. قواعد املا و نگارش آن باید به گونه‌ای باشد که استثنا در آن کمتر راه یابد و حتی استثنایا نیز خود قانونمند باشند.

فاصله‌گذاری میان کلمات، خواه بسیط و خواه مرکب، امری ضروری است که اگر رعایت نشود، طبعاً سبب بدخوانی و ابهام معنایی می‌شود. در نوشته‌های فارسی دو نوع فاصله وجود دارند: یکی، فاصله «برون کلمه» یعنی فاصله‌گذاری میان کلمه‌های یک جمله یا عبارت؛ و دیگری، فاصله «درون کلمه» که معمولاً میان اجزای ترکیب و معمولاً در حروف منفصل می‌گذارند. رعایت این نیم‌فاصله‌ها به ویژه در دست‌نوشته‌ها دشوار و اختیاری است؛ اما در متون تایپی، رعایت آن امکان‌پذیر و جزو اصول دستور خط است.

از جمله معایبی که در حوزه دستور خط در کتاب

ومی‌گفتند (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۲۷)، و آتش (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۵۷)، و گلوله (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۶۷) و ...

ب) طبق دستور خط، اتصال دو جزء به همدیگر (پیوسته‌نویسی) در دو مورد زیر رعایت نشده است:

- «آن» و «این» به حرف «که» پس از خود، در صورتی که معنای «آن کسی که» و «این کسی که» ندهد، متصل می‌شود؛ اما در کتاب مدنظر، این امر رعایت نشده است: آن که (صالحی، ۱۴۰۱، صص. ۱۶ و ۱۸)، این که (صالحی، ۱۴۰۱، صص. ۲۰، ۲۱ و ۴۳) و ...

- ضمائر ملکی و مفعولی در صورت اینکه کلمه مختوم به صامت متصل باشد، پیوسته به آن نوشته می‌شوند که این امر رعایت نشده است: خدمت تان (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۱۸)، غذای شان (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۱۸)، وسایل شان (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۲۷)، گردان مان (صالحی، ۱۴۰۱، صص. ۲۹، ۳۱ و ۳۹)، گروهان مان (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۴۰)، خون تان (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۵۸) و ... در جدول زیر، بسامد فاصله‌گذاری نادرست در سراسر کتاب شقایقی از مجنون (۱) بیان شده است.

جدول ۹- بسامد فاصله‌گذاری نادرست

فاصله‌گذاری نادرست	بسامد
نیم‌فاصله	۶۲
فاصله کامل	۱۹
پیوسته‌نویسی	۲۴

ت) عدم رعایت ضبط مختار صورت املائی واژگان: برای مثال، کلمه «باطری» (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۲۸) که ضبط مختار آن «باتری» است؛ یا کلمه «طاوول» (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۷۱) که به شکل «تاوول» رایج است. ث) عدم استفاده از همزه در کلمات: متاهل (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۲۶)، مومن (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۶۷)، تاثیر (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۷۱) و ...

ج) نگذاشتن نشانه کسره اضافه سبب ایجاد ابهام

ص. ۴۴)، مینی بوس (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۵۲)، فرش فروشی (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۵۹) و ...

- هنگام نوشتن افعال استمراری دارای «می» مانند می‌گفتند (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۲۷)، می‌روند (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۵۲)، می‌کند (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۵۳)، می‌گرفتند (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۵۹)، می‌گرفت (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۶۱) و ...

- در بین اجزای قیده‌ها مانند به شدت (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۴۴)، به سختی (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۴۶)، هم اکنون (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۴۱)، هیچ یک (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۳۸)، یک سال (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۱۸)، نیم ساعت (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۳۳)، یک چهارم (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۲۳)، یکماه (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۲۳)، یک‌دفعه (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۳۳) و ...

- ضمائر ملکی و مفعولی در صورت اینکه کلمه مختوم به مصوت بلند «ای» باشد، به شکل نیم‌فاصله و همزه نوشته می‌شوند که این امر در کتاب رعایت نشده است: سربازیم (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۲۰) که صورت درست آن، «سربازی‌ام» است؛ پدریم (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۲۱).

ب) عدم رعایت فاصله کامل (برون‌کلمه) عمدتاً در دو مورد زیر مشاهده شده است:

- میان حرف اضافه و کلمه پس از آن: دربین (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۲۶)، زیرنظر (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۳۸)، دردشت (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۳۹)، بنام (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۲۰)، بعنوان (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۲۰)، بخاطر (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۲۷)، بقدری (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۴۶)، بدینا (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۶۲)، بعهدہ (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۴۷) و ... در این باره باید گفت طبق دستور زبان فارسی، اتصال حرف اضافه به کلمه پس از خود نه فقط از نظر دستور خط نادرست است، بلکه مقوله آن کلمه را نیز تغییر می‌دهد و اسم را تبدیل به صفت می‌کند؛ برای مثال، کلمه «بنام» یعنی مشهور.

- میان حرف عطف «و» و کلمه پس از آن:

می‌شود: «یکی از هم‌زمان بنام حسین محمدی اهل استان اصفهان بود که تازه پایان نامه خلبانی خود را گرفته بود» (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۴۵). همچنین، طبق دستور خط، کسره اضافه در کلمات مختوم به «های» غیرملفوظ باید به شکل «یای» کوچک باشد؛ در حالی که در این کتاب، علاوه بر اینکه در بیشتر موارد کسره اضافه به کار نرفته است، در دو مورد هم که به کار رفته، به شکل «یای» بزرگ است: «از چگونگی و نحوه‌ی سازماندهی تان در عملیات والفجر مقدماتی بگویید؟» (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۲۹).

چ) داشتن غلط املائی: در دو مورد نیز کلمات به شکل نادرست نوشته شده‌اند: یکی، کلمه «مقتنم» (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۵۴) که باید به شکل «مغتنم» نوشته شود؛ و دیگری، کلمه «متناژکار» (صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۲۰) که به شکل «مونناژکار» باید استفاده شود.

نتیجه و پیشنهادها

طبق بررسی‌های انجام‌شده، در کتاب شقایقی از مجنون (۱)، از میان نشانه‌هایی که بیشترین بسامد کاربرد نادرست را دارند، نشانه کاماست. کاربرد نابه‌جای کاما با بسامد ۲۳۰ مورد و عدم استفاده به‌موقع از آن با بسامد ۱۷۸ مورد، سبب بدخوانی، ابهام جمله و گرفتن وقت و توان خواننده برای درک معنا شده است؛ همچنین، این امر سبب شده است جملات و عبارات به شکل پی‌درپی و تودرتو بیان شوند و به تبع آن، ذهن و چشمان مخاطب دچار خستگی و آزدگی شود و مجالی به خواننده برای سازمان‌دهی مطالب و درک بهتر متن داده نشود. همچنین، نویسنده به دلیل ناآشنایی با کاربرد نشانه نقطه، در بیشتر موارد آن را در جایگاه خود استفاده نکرده است و به‌جای آن از حروف ربط به ویژه حرف ربط «واو» برای اتصال دو یا چند جمله بهره برده است. کاربرد چنین رویه نادرستی سبب شده است اطناب و درازنویسی، دل‌زدگی و قطع ارتباط مخاطب با متن، دشواری درک معنا، اختلال در سازمان‌دهی مطالب و آسیب به زیبایی نوشتار روی

دهد؛ از این رو، می‌توان گفت بیشترین ضعف در به‌کارگیری این نشانه عدم استفاده به‌موقع از آن با بسامد ۱۰۵ مورد است. از سوی دیگر، عدم استفاده به‌موقع از نشانه نقطه-ویرگول با بسامد ۱۸ مورد بیانگر این است که در این کتاب اثری از نشانه نقطه-ویرگول نیست؛ حتی یک مورد هم که استفاده شده است، به‌نادرست به‌جای نشانه دونقطه به کار رفته است. در ضمن، در گفت‌وگوهایی که نقل قول مستقیم و از زبان خود راوی هستند، هم نشانه دونقطه و هم گیومه به کار نمی‌رود. در ۲۵ مورد از نشانه دونقطه و در ۵۶ مورد از نشانه گیومه به‌موقع استفاده نشده است. درباره نشانه پرسش و تعجب (عاطفی) باید گفت نشانه پرسش در بیشتر موارد استفاده شده است؛ اما گاهی در جملاتی که پرسشی مستقیم هستند، در رعایت آن، سهل‌انگاری صورت گرفته است. در مواردی نیز که لزوم به‌کارگیری نشانه تعجب وجود داشته، استفاده نشده است و به‌اشتباه، نشانه‌ای دیگر جایگزین آن شده است.

همچنین، از جمله معایبی که در حوزه دستور خط و شیوه‌املائی در کتاب شقایقی از مجنون (۱) وجود دارند، عبارت‌اند از: رعایت نکردن فاصله درون‌کلمه و برون‌کلمه، عدم رعایت علائم زبرزنجیری، عدم کاربرد ضبط مختار واژگان و نادرستی املائی به سبب اشتراکات آوایی و واجی در برخی از کلمات. همچنین، طبق دستور خط و آیین ویرایش، اعداد تک‌جزئی، ترتیبی و تکریمی باید به شکل حرف نوشته شوند که در این کتاب معمولاً به شکل رقم نگاشته شده‌اند. همچنین، در بیشتر موارد، کسره اضافه در این کتاب به کار نرفته است و در دو موردی هم که به کار رفته، طبق دستور خط فرهنگستان نبوده است.

برای جلوگیری از آسیب‌های بیشتر به زبان و خط فارسی و در ضمن، رعایت اصالت کلام و انتقال درست واقعه و احساس به مخاطب در کتاب‌های حوزه «تاریخ شفاهی» باید چند کار مهم انجام شوند که در این راستا، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شوند:

۱. برای نگارش کتاب‌های تاریخ شفاهی یک

ویرایش در تاریخ شفاهی سبب اشاعه این امر در میان پژوهشگران و نویسندگان می‌شود؛ و

۸. اعمال تشویق و تخصیص هزینه توسط سازمان‌ها و مراکز مرتبط با این حوزه به منظور حمایت از ویراستاران و آموزش نیروهای جوان در چنین مراکزی.

منابع

- احمدی‌دارانی، علی‌اکبر، و کرامتین‌فرد، طناز (۱۴۰۱). نقد و تحلیل شیوه‌نامه‌های نگارش و ویرایش فارسی (مطالعه موردی: نشانه‌گذاری). مجله فنون ادبی. ۴۱، ۶۳-۹۰.
- احمدی‌گیوی، حسن، حاکمی، اسماعیل، شکری، یدالله، و طباطبایی‌اردکانی، سیدمحمود (۱۳۸۵). زبان و نگارش فارسی. تهران: سمت.
- حسن‌آبادی، ابوالفضل (۱۳۸۶). پیاده‌سازی و ویرایش در تاریخ شفاهی. نشریه کتاب ماه تاریخ و جغرافیا. ۱۱۸، ۶۴-۶۹.
- ذوالفقاری، سیدحسن (۱۳۹۲). راهنمای ویراستاری و درست‌نویسی. تهران: نشر علم.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۴). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- صادقی، علی‌اشرف، و زندی‌مقدم، زهرا (۱۳۹۴). فرهنگ املائی خط فارسی بر اساس دستور خط فارسی. تهران: نشر آثار.
- صالحی، فاطمه (۱۴۰۱). شقایقی از مجنون ۱. تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
- فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی. (۱۳۹۴). دستور خط فارسی. تهران: نشر آثار.
- کاخ، مرتضی (۱۳۷۳). شیوه‌نامه نگارش، نقطه‌گذاری، پانویس و کتاب‌شناسی. تهران: امیرکبیر.
- نورائی، مرتضی (۱۳۸۶). درآمدی بر ویراستاری در تاریخ شفاهی. فصلنامه گنجینه اسناد. ۶۶، ۱۰۷-۱۲۰.
- یاحقی، محمدجعفر، و ناصح، محمدمهدی (۱۳۷۱).

کارگروه تخصصی در جایی مانند بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس تشکیل شود و از میان این همه تنوع و تکثر دیدگاه در حوزه آیین نگارش فارسی (بیش از ۶۰ عنوان تألیف) یک نمونه کار مشخص به‌دست آورند و آن را برای آیین نوشتار به علاقه‌مندان این حوزه معرفی کنند؛

۲. اصول ساده آیین ویرایش در یک فرم یا نرم‌افزار ساده تهیه شود و هنگام بازنویسی مصاحبه‌ها، آن را در اختیار تدوینگر قرار دهند؛

۳. نهادهایی همچون بنیاد حفظ آثار، حوزه هنری، سازمان ارشاد و تبلیغات اسلامی و دانشگاه‌ها، زمینه فرهنگ‌سازی، آگاه‌سازی، آموزش‌های کوتاه‌مدت تخصصی و کاربردی، بررسی و پژوهش‌های کاربردی را برای آسیب‌شناسی این موضوع فراهم کنند؛

۴. در صفحه‌شناسنامه تعدادی از کتاب‌های تاریخ شفاهی، نام ویراستار دیده نمی‌شود؛ بنابراین، بعد از سازمان‌دهی و روایت‌مند کردن مصاحبه‌ها، متن نهایی باید در اختیار ویراستار متخصص قرار گیرد؛

۵. دستگاه‌های دولتی و غیردولتی، هم با هدف کمک به درست‌نویسی و هم کمک به اشتغال متخصصان این حوزه باید حمایت‌های لازم را از ویراستاران انجام دهند؛ زیرا با وجود هرگونه نرم‌افزاری که ممکن است به کمک ویرایش بیاید، به‌هیچ‌وجه عنصر انسانی نمی‌تواند از فرایند ویراستاری حذف شود؛ زیرا با تولید متون جدید و ورود واژگان و عبارت‌هایی که از راه‌های مختلف وارد زبان می‌شوند، پایش این موضوع‌ها با عنصر انسانی است؛

۶. بنیاد حفظ آثار، حوزه هنری و سایر نهادهایی که در عرصه نگارش و تدوین تاریخ شفاهی و خاطرات رزمندگان عمل می‌کنند، در ارزیابی‌های سالانه یا چندگاهانه خود، ویرایش و درست‌نویسی را هم به موارد متعدد امتیازدهی به اعتبار کتاب‌ها و بررسی کیفیت عملکرد حوزه‌های ادبیات پایدار اضافه کنند؛

۷. برگزاری همایش‌ها و اختصای پایان‌نامه‌ها، مقالات و طرح‌های پژوهشی به موضوع آیین نگارش و

editing oral history. Altamira Press: A Division of Rowman & Littlefield Publisheer.

راهنمای نگارش و ویرایش. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

Baum, Willa K. (1997). Transcribing and

ⁱ Willa Baum

